

## گزارشی از کارخانه ی نساجی پارس ایران (پارس نیت سابق)

وبلاگ کارگر

دهم آبان ماه هشتاد و شش

این کارخانه متعلق به سرمایه دار معروف اراکی جواد افراشته می باشد که مالک دو کارخانه دیگر یکی آلومینیوم در اراک و دیگری نساجی "پوریام" در مازندران می باشد. وی اخیراً قصد دارد کارخانه ی موکت بافی در شهرستان صنعتی رشت و کارخانه ی جوراب بافی ورشکسته ای در مسیر جاده ی رشت - کوچصفهان را خریداری کند.

کارخانه ی نساجی پارس ایران واقع در جاده ی رشت-لاکان، بر اثر ریزش برف سنگین در سال ۸۳ و تخریب ۸۵ درصدی کارخانه تعطیل شد. این کارخانه تا سال ۶۲ تحت پوشش وزارت صنایع و معادن و از سال ۶۲ تا ۷۰ به بانک صنعت و معدن و پس از آن نیز به بخش خصوصی (جواد افراشته) واگذار شد. افراشته کارخانه را که به ارزش یک میلیارد تومان بود به مبلغ ۶۰۰ میلیون تومان خریداری کرد. از این مقدار ۲۰۰ میلیون را پرداخت کرد و متعده شد تا ماهانه ۵۰ میلیون تومان پرداخت کند که تا کنون به تعهداتش عمل نکرده. او از زمان واگذاری کارخانه تا سال ۸۳-۸۲ مبلغ ۵ میلیارد تومان وام از بانک های مختلف ملت، ملی و ... دریافت نموده و علاوه بر این اداره ی کل صنایع نیز به او وام داده است. همچنین افراشته علت صادرات پارچه چند میلیارد تومان جایزه ی ارزی صادرات از دولت دریافت کرده است. پس از آن که در فاصله ی سال های ۷۹ تا ۸۱ صد نفر کارگر قراردادی اخراج شدند، در سال ۸۳، ۲۵۰ کارگر در این کارخانه مشغول به کار بودند. از تعداد ۲۵۰ نفر حدود ۱۷۰ با استفاده از سختی کار و بازنشستگی زود هنگام بالای ۲۰ تا ۲۵ سال سابقه ی کار بازنشسته شدند و ۸۰ نفر باقی مانده ۱۸ ماه بیمه ی بیکاری دریافت کردند. از اسفند ۸۳ بن کارگری قطع شد و به آن ها بیمه ی بیکاری (۱۵۰ هزار تومان در ماه) پرداخت گردید. جواد افراشته که متعهد به پرداخت مابه التفاوت حقوق شده بود به تعهداتش عمل نکرد. بین سال های ۸۰ تا ۸۳، کارگران ۸ ماه حقوق معوقه طلب دارند. کارگران بارها در مقابل استانداری گیلان، اداره ی کار و اداره ی کل صنایع دست به تجمعات اعتراضی زده و جاده ی رشت- لاکان را بسته اند که با خشونت و سرکوب و دادن وعده و وعده های واهی از سوی نمایندگان دولت پراکنده شده اند. متعاقب این اعتراضات کارفرما به بهانه ی حل مشکلات کارخانه، وام های کلانی (۶ یا ۷ بار وام های از ۵۰۰ میلیون تا یک میلیارد) از بانک ها دریافت کرده است، اما از اجرای تعهدات خود در قبال کارگران سرباز زد. در این مدت کارگران بازنشسته جهت دریافت حقوق خود دست به شکایت زدند و پس از مدت ها سرگردانی موفق به دریافت حقوق بازنشستگی خود شدند. شکایت کارگران در زمینه ی عدم پرداخت حقوق بازنشستگی از طریق دادگاه حقوقی و در گروه های ۱۰ تا ۲۰ نفری پیگیری می شد که پرونده های این شکایات در اداره ی کار و دادگاه رشت موجود است. در طول این مدت کارگران شکایات و اعتراضات خود را به اداره ی کار، وزارت صنایع، وزارت اطلاعات،

ریاست جمهوری، دفتر رهبری و استانداری اعلام کرده اند که همه بی نتیجه مانده اند. در سال ۷۸، کارفرما علی رغم تولید کافی کارخانه از پرداخت دستمزد کارگران امتناع می ورزید و یا دیرکرد یک تا هشت ماه پرداخت می نمود که تا این موضوع فشار اقتصادی شدیدی به کارگران و خانواده ی آن ها وارد می کرد. از زمان حضور افرشته به عنوان کارفرما، کارگران از دریافت لباس کار و کفش ایمنی بی بهره بوده اند. از سال ۸۲ کارفرما قبض برق، گاز و تلفن را پرداخت نکرده است که منجر به قطع این خدمات شده است. به علت سهل انگاری و کارشکنی کارفرما با وجود داشتن مواد اولیه تولید کارخانه از سال ۸۲ قطع گردید. پس از چندین بار دعوت به کار، کارگران با دریافت ۱۸ ماه حقوق سال ۸۳ به بعد، از فروردین ۸۵ کار را شروع کردند. از آن زمان تاکنون دستمزد کارگران همواره با تاخیر ۲ الی ۳ ماهه پرداخت شده است. این موضوع بارها مورد اعتراض کارگران قرار گرفته است. گرازش یکی از این اعتراضات (تجمع ۵۰ نفر از کارگران در مقابل اداره ی تامین اجتماعی) توسط خبرنگاران منتشر گردید که در نتیجه ی آن نعمتی (نماینده ی استانداری) به کارخانه رفت و کارگران را در جریان دریافت وام بحران برای تسویه ی حقوق معوقه ی کارگران (یک میلیارد و دویست میلیون تومان) قرار داد. حدود ۴ ماه پیش بانک صنعت و معدن نسبت به توقیف دستگاه های کارخانه اقدام کرد. علی رغم تهدید نماینده ی بانک به استفاده از نیروی انتظامی، کارگران در برابر توقیف دستگاه ها مقاومت و او را مجبور به فرار از محیط کارخانه کردند. تعداد دستگاه های مورد مطالبه ی بانک ۳۶ دستگاه گردباف آلمانی بود که قبلا هر دستگاه به ارزش دو میلیون تومان خریداری شده بود. در حال حاضر تعداد کارگران شاغل به کار ۷۴ نفر است که ۶۰ نفر آن ها در مرز بازنشستگی قرار دارند، تمام ضایعات کارخانه فروخته شده، همه ی دستگاه ها موجود و آماده ی تولید هستند اما کارفرما از تولید امتناع می ورزد. افرشته بیش از یک میلیارد تومان به تامین اجتماعی بدهکار است که از این مبلغ اخیرا ۳۰ میلیون را پرداخته است. به دلیل بدهکاری کارفرما تامین اجتماعی حاضر به تسویه حساب کارگران بازنشسته نیست. در تاریخ ۸۶/۵/۱۷ محسن افرشته (فرزند کارفرما و از سهامداران شرکت) با شورای اسلامی کارخانه تماس گرفته و اعلام کرده است که حاضر به پرداخت حقوق معوقه ی کارگران نیست و کارگران هر کاری که می خواهند انجام دهند. با توجه به اطلاع کارگران از دریافت وام یک میلیارد و دویست میلیون تومانی توسط جواد افرشته، کارگران می دانند که کارفرما قادر است به هر یک از آن ها ۱۵ میلیون تومان پرداخت کند. در نتیجه امتناع کارفرما از پرداخت حقوق معوقه کارگران را خشمگین کرده است. کارگران در واکنش به این اوضاع دست به اعتراض زده و گزارشی از این شرایط به استانداری ارائه نموده اند. پس از بی توجهی جواد افرشته، فرزندش توسط کارگران در کارخانه به گروگان گرفته شد و خود او نیز به هنگام مشاهده ی کارگران در اداره ی دارایی به حراست پناه برد. با ضمانت و پا در میانی حراست افرشته دو فقره چک، هر یک به مبلغ ۱۷ میلیون تومان به تاریخ ۸ شهریور و ۲ مهر صادر می کند و نزد حراست به امانت می گذارد که پس از چندین بار خلف وعده در تاریخ ۲۲ و ۲۵ شهریور در دو مرحله ابتدا ۱۰۰ هزار تومان و در ادامه ما به التفاوت یک ماه حقوق کارگران را نقدا پرداخت می کند اما هنوز حقوق تیرماه کارگران پرداخت نشده است و ارسالی ۳۵ کارگر در مرحله ی بازنشستگی به کارخانه عودت شده است.

طی سال های اخیر خصوصی سازی واحدهای تولیدی تا کنون منجر به اخراج و بیکاری صدها هزار کارگر شده

است. در نتیجه ی تعویق پرداخت حقوق کارگران فشار اقتصادی شدیدی به آن ها و خانواده‌هایشان وارد می شود. در بسیاری از موارد کارفرما علی رغم دریافت وام های هنگفت، کارخانه را ورشکسته اعلام می کند تا این مبالغ را در دلالی مورد استفاده قرار دهد. در این موارد هیچ مانعی (جز کارفرما) برای از سر گیری تولید وجود ندارد. کنترل کارخانه و تولید مستقلانه ی کارگران یکی از راه های مبارزه با این شرایط اسفبار است.

## وبلاگ کارگر

پنجشنبه دهم آبان ۱۳۸۶ کارگر